

دولت فاطمیان و نقش آنان در شکوفایی تشیع در مصر

سیدابوالحسن نواب*

[تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۵]

چکیده

قرن چهارم هجری را می‌توان عصر طلایی جهان اسلام به‌خصوص برای شیعیان به حساب آورد؛ چراکه از اواخر قرن سوم، شیعیان توان بروز و ظهور اجتماعی یافتند و برخی فرقه‌های شیعه حکومت‌هایی با نام حکومت شیعی تأسیس کردند که نمونه برجسته آن فاطمیان بودند. فاطمیان پس از نفوذ در شمال آفریقا، مصر و شام و یمن دایره نفوذ خود را تا حجاز گستراندند و بر بخش‌هایی از دریای مدیترانه نیز حاکم شدند و سیسیل را تصرف کردند. آنان در دوران حاکمیت خود به ترویج و تحکیم تشیع در شمال آفریقا به‌ویژه در مصر اهتمام ورزیدند. آنان گرچه به هدف اساسی خود که اتحاد دنیای اسلام تحت حاکمیت یک خلافت شیعی به پیشوایی خلیفه فاطمی نرسیدند، در گسترش فرهنگ اسلامی به طور عام و تفکر شیعی به طور خاص، توفیقات فراوانی به دست آوردند.

کلیدواژه‌ها: فاطمیان، اسماعیلیه، خلافت شیعی، حکومت شیعی، خلافت فاطمی.

مقدمه

فاطمیان از آغاز قرن چهارم تا پایان قرن ششم بر قلمرو گسترده‌ای از مغرب جهان اسلام حاکمیت داشتند و در رقابت با عباسیان، خود را خلیفگان برحق می‌دانستند. دوران طولانی حکومت فاطمیان به ترویج و تقویت مذهب تشیع و افزایش محبت اهل بیت در شمال آفریقا، به‌ویژه مصر، انجامید.

هرچند این دولت نتوانست به مقاصد عمده خود برسد، نقش آنان را در گسترش کلی تفکر شیعی نمی‌توان منکر شد. نوشتار حاضر در نظر دارد به روشن‌سازی نقش فاطمیان درباره این مهم بپردازد و نقش آنان را در گسترش فرهنگ اسلامی به گونه عام و تفکر شیعی به گونه خاص پیگیری کند.

دولت‌های شیعی، نخستین دولت‌های اسلامی در شمال آفریقا

با شکست قیام‌های شیعی زیدی در حجاز و عراق، شیعیان^۱ نقاط دوردست جهان اسلام، از جمله مغرب اسلامی، را برای سکونت و فعالیت انتخاب کردند؛ زیرا این مناطق از مرکز خلافت دور بود و اعزام نیروی نظامی خلافت را در مواقع بحرانی، مشکل و گاه ناممکن می‌ساخت. شاید بتوان گفت اولین دولت‌های اسلامی در شمال آفریقا به دست شیعیان ایجاد شده است. در اواخر قرن اول هجری خوارج اباضیه و صفریه برای رهایی از امویان به آفریقه (به معنای وسیع آن، پیش از ورود اسلام به مغرب گفته می‌شد) آمدند و نیم قرن بعد توانستند دولت سچلماسه و تاهرت را برپا کنند. ادریس فرزند عبدالله فرزند حسن المثنی فرزند حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام نیز توانست خود را از واقعه فح در حجاز نجات دهد و به آفریقه (آفریقای شمالی) برساند و در آنجا اولین دولت شیعی را در تاریخ اسلامی تأسیس کند. این کار در سال ۱۷۲ هجری انجام شد.

آل ادریس سلسله‌ای شیعی مذهب بودند که از سال ۱۷۲ تا ۳۷۵ق در مغرب اقصی (مراکش و بخشی از الجزایر) حکومت کردند. ادریسیان دارای گرایش‌های شیعی زیدی بودند و فرزندان ادریس نخستین کسانی بودند که در میان قبایل پراکنده مغرب که هنوز اسلام در میان تعدادی از آنان نفوذی نیافته بود، توانستند با نشر فرهنگ اسلامی،

وحدتی سیاسی و اجتماعی فراهم سازند. اگرچه این وحدت با تلاش عباسیان و امویان اندلس در مغرب و نیز رقابت قدرت نوظهور فاطمیان و تلاشی که برای تصرف مغرب داشتند، چندان دوامی نیافت، از دستاوردهای سیاسی و فرهنگی و جغرافیایی آن در طول سده‌های بعدی نمی‌توان چشم پوشید.

تأسیس دولت آل ادریس در منطقه‌ای میان قلمرو دو خلافت عباسیان در شرق (بغداد) و امویان در غرب جهان اسلام (اندلس) که در حال اوج‌گیری به سوی قدرت و شکوه خود بودند، در تاریخ اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ادریسیان از همان آغاز که پای به مغرب نهادند، قبایل بزرگ بربر از آنان استقبال کردند و با وجود نفوذ خوارج در میان برخی قبایل مغرب، ادریسیان توانستند با کمک بربرها، به‌ویژه اسحاق پیشوای آنان (ابن‌خلدون، ۱۳۵۹: ۲۹۶)، نخستین دولت شیعی مذهب را پایه‌گذاری کنند.

فاطمیان، دومین دولت شیعی در شمال آفریقا

دومین دولت شیعی عربی در شمال آفریقا، دولت فاطمیان بود. فاطمیان به مدت دو قرن بر بخش بزرگی از شمال آفریقا و خاورمیانه و دریای مدیترانه حکومت کردند و گستره حکمرانی‌شان سیسیل، مصر، فلسطین و سوریه را نیز شامل می‌شد (لایپدوس، ۱۳۸۷: ۵۲۳). بنا بر گزارش قاضی نعمان اسماعیلی مذهب، فاطمیان از طرفداران اسماعیلیه مبارکیه بودند که تا پایان سده سوم هجری دعوت پنهانی داشتند و بعد از اینکه عبیدالله المهدی در سال ۲۹۰ قمری، دعوت خود را آشکار ساخت، آنان دعوت خود را علنی کردند (مقریزی، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۴) و پس از آن بود که در شمال آفریقا، حکومت مستقلی ایجاد کردند. عبدالله بن علی بن احمد حلوانی و ابوسفیان حسن بن قاسم از نخستین داعیان اسماعیلی در مغرب، از جمله داعیان چنین حرکتی بودند (قاضی نعمان، بی‌تا: ۲۶-۳۰).

دولت فاطمیان در شش دهه حضور در آفریقه و در دوره خلافت سه خلیفه نخست خود، بیشترین توجه خود را معطوف به تثبیت قدرت و سرکوب مخالفان و قبایل شورشی و نیز افزایش قلمرو سیاسی در غرب آفریقا کردند که گسترش تفکر شیعی به معنای عام آن نیز از نتایج آن بود؛ البته در این دوران این دولت با شورش‌هایی از طرف مخالفان روبه‌رو شد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۱۸-۲۳).

فاطمیان در مصر

حکومت فاطمیان در فاصله سال‌های (۲۹۷-۵۶۷ق) در دو نقطه شمال آفریقا بر سر کار آمد؛ آنان ابتدا در مغرب اسلامی به مرکزیت قیروان (۲۹۷-۳۶۲ق) و سپس در مصر به مرکزیت قاهره (۳۵۸-۵۶۷ق)، همزمان با خلافت «المعز لدین الله» با ورود «جوهر الصقلی» به مصر و تأسیس قاهره به عنوان پایتخت جدید، به این امر نائل آمدند. عبیدالله المهدی، نخستین خلیفه فاطمی، با تصرف اسکندریه نیت خود را برای فتح مصر آشکار کرد؛ ولی موفق به غلبه بر مصر نشد (مقریزی، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۸-۷۱) و این ایده بعد از پنج دهه در سال ۳۵۸ق در زمان خلافت خلیفه چهارم فاطمی جامه عمل پوشید. در این زمان که اخشیدیان بر مصر حکومت می‌کردند، درگذشت کافور اخشیدی (۳۵۷-۳۵۵ق) باعث ضعف و آشفتگی امور شده بود و قحطی و هرج و مرج، زمینه اجتماعی لازم را برای پیروزی و پذیرش فاطمیان فراهم آورده بود (واکر، ۱۳۸۳: ۴۴). گروهی از مردم مصر نامه‌ای برای المعز لدین الله (خلیفه فاطمی در مغرب) نوشتند و از او خواستند وارد مصر شود. وی فرمانده ارتش خود به نام «جوهر» را با هزار سواره عازم مصر کرد و او وارد مصر شد (ابن‌اثیر شیبانی، ۱۴۱۴: ۱/ ۳۲۹).

المعز لدین الله، چهارمین خلیفه فاطمی، موفق شد مصر را با تلاش فرمانده سپاهش «جوهر صقلی» به تصرف خود درآورد. هنگامی که جوهر در سال ۳۵۸ق به فسطاط وارد شد، بزرگان مصر از او استقبال کردند. جوهر نیروهای خود را در محلی در نزدیکی فسطاط استقرار داد که بعدها شهر قاهره المعزیه در آن بنا شد (ابن‌اثیر شیبانی، ۱۴۱۴: ۷/ ۳-۹؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳، ۴/ ۱۵؛ مقریزی، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۳۰ و ۳۶۱).

مذهب تشیع در مصر، بعد از روی کار آمدن فاطمیان به نقطه اوج خود رسید. در قاهره جلسات علم و وعظ تشکیل می‌شد و از علوم اهل‌البیت علیهم‌السلام سخن می‌رفت و مردم انبوهی از شهرهای دیگر مصر برای شرکت در این‌گونه مجالس راهی قاهره می‌شدند و در نهایت، شدت جمعیت به جایی رسید که یکشنبه به مردان و چهارشنبه به زنان اختصاص داده شد.

المعز اهتمام خاصی به نشر تشیع طبق دیدگاه اسماعیلیان در مصر داشت و در دروان حکومت وی، اذان به سبک شیعی رواج پیدا کرد. در مسائل ارث، طلاق، نماز جمعه و

معاملات نیز فقه شیعه حاکم شد و مدح اهل بیت علیهم السلام رواج یافت. یکی از مهم‌ترین کارهای این زمان تأسیس جامع الأزهر به نام حضرت زهرا و با هدف تدریس فقه شیعه بود (پاک‌آیین، ۱۳۲)؛ بنابراین فاطمیان آثاری در سرزمین مصر رایج کردند که این عوامل و آثار از نیرومندترین عوامل نشر تشیع در مصر به شمار می‌رود.

دولت فاطمیان از سال ۳۵۸-۵۶۷ق (۹۶۹-۱۱۷۱م) حدود دو قرن بر مصر حکومت کردند که در این مدت یازده نفر از آنان به خلافت رسیدند. اولین خلیفه که در زمان او الأزهر تأسیس شد، المعز لدین الله بود که از سال ۳۶۲ق حکومت کرد. پس از او پسرش العزیز بالله ابومنصور نزار (۳۶۵-۳۸۶ق)، سپس فرزند او الحاکم بامرالله (۳۸۶-۴۱۱ق) به حکومت رسید که چون کودک بود، مربی و استادش، «برجوان» متولی خلافت شد و صاحب قدرت بود تا اینکه در سال ۳۹۰ق (۱۰۰۰م) به دست الحاکم بامرالله به قتل رسید. آنگاه پسر الحاکم، الظاهر لاعزاز دین الله (۴۱۱-۴۲۷ق) و سپس فرزندش المستنصر بالله ابوتیم (۴۲۷-۴۸۷ق/۱۰۳۵-۱۰۹۴م) حدود شصت سال حکومت کرد که این طولانی‌ترین مدت خلافت فاطمیان بود. اسماعیلی شدن بهره‌های گجرات هند، مرهون تلاش‌های فراوان هشتمین خلیفه فاطمی، المستنصر، است. پس از آن دولت فاطمی ضعیف شد.

فاطمیان در بین سال‌های ۴۲۷-۴۵۰ق در زمان خلافت المستنصر به اوج اقتدار رسیدند (جودکی، ۱۳۷۸: ۹۵)؛ با این همه پس از مستنصر در میان اسماعیلیان جدایی بزرگی به وجود آمد و آنان به دو فرقه بزرگ «مستعلویه» و «نزاریه» منشعب شدند. اسماعیلیان یمن با ادعای نامه مستنصر، به امامت مستعلی معتقد شدند و اسماعیلیان ایران به رهبری حسن صباح با ادعای ارشدبودن نزار، به امامت نزار گرویدند. مستعلی در سال ۴۹۵ق درگذشت و پسر پنج‌ساله‌اش ملقب به «الأمیر بأحكام الله»، امام تشریفاتی شد و همه امور در دست افضل بود. وقتی آمر ۲۵ساله شد، افضل کشته شد. آمر هم در سال ۵۲۴ق به دست فدائیان کشته شد. بعد از مرگ آمر، اسماعیلیان مستعلویه دو گروه شدند: طیبیه که معتقد به امامت فرزند آمر به نام طیب بودند و فاطمیون مصر که امامت پسرعموی آمر به نام عبدالمجید الحافظ را پذیرفتند (ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۱۵/۴؛ تاریخ فاطمیان، ۲۰۱۱: ۱۱۸).

خلافت فاطمیان مصر پس از ۲۸۲ سال حکومت، با سرنگونی آخرین خلیفه فاطمی العاضد لدین الله، به دست صلاح‌الدین ایوبی، در سال ۵۶۵ق مقرر شد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۱۵/۴؛ جودکی، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

خلفای فاطمی از پیروان فرقه اسماعیلیه مبارکیه بودند (نوبختی، ۱۳۷۵: ۶۷-۶۸). عبیدالله المهدی (اولین خلیفه فاطمی) خود را از نسل عبدالله پسر امام جعفر صادق علیه السلام می‌دانست و در مجموع فاطمیان خود را شیعه و محب اهل بیت علیهم السلام می‌دانستند تا جایی که علاقه داشتند از عنوان امام به جای خلیفه استفاده کنند تا شیعه‌بودن خود را بیشتر نشان دهند.

نسب فاطمیان

درباره دولت خلفای فاطمی اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد و دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است. مخالفان فاطمیان درباره نسب عبیدالله مهدی تردیدهایی را مطرح کرده و انتساب وی را به اهل بیت نادرست دانسته‌اند (مقریزی، ۱۳۸۰: ۱/۲۳-۲۵؛ ناصری طاهری، ۳۵-۳۸). تاریخ‌نگاران در زشت جلوه‌دادن چهره فاطمیان، به جهت شیعی بودن آنان، هم-صدا بوده‌اند. این مطلب در نوشته‌های تاریخ‌نگاران پیش از سقوط دولت فاطمی به‌روشنی نمایان است؛ زیرا در آن زمان، عباسیان آنان را به این کار تشویق و ترغیب می‌کردند، هم‌چنان که در نوشته‌های تاریخ‌نگاران عصر ایوبی و بعد از آن نیز آشکار است.

در این میان نکته‌ای که بسیار راهگشا است، توجه به این مطلب است که عمده این نظریات با حمایت و ترویج مستقیم دستگاه خلافت عباسی انجام شده است؛ زیرا دولت فاطمیان خطری بس بزرگ و جدی برای حاکمیت سیاسی خلافت عباسی به شمار می‌رفت. دولت فاطمیان اولین خلافت مستقلی بود که در عرض خلافت عباسی شکل گرفت و از اطاعت خلافت عباسی سر باز زد. عباسیان برای نابودی این رقیب سیاسی جدی که توان مبارزه و رویارویی مستقیم با آن را نداشتند، به جنگ تبلیغاتی روی آوردند. آنان به هر طریق که توانستند بزرگان اهل سنت و حتی برخی از بزرگان شیعی را مجبور کردند به نبود نسبت میان فاطمیان و اهل بیت حکم کنند.

در این زمان عباسیان در بغداد، جنگ تبلیغاتی خویش را علیه فاطمیان به اوج رساندند، از جمله اینکه اعلام کردند بزرگان اهل سنت و شیعه، سندی را امضا کرده‌اند که به موجب آن، نسبت فاطمیان با اهل بیت علیهم‌السلام را رد می‌کرد. در این سند، انتساب فاطمیان به اهل بیت علیهم‌السلام را نفی کردند و آنان را به «عبیدالله» ملقب به مهدی، منتسب دانستند؛ بنابراین برخی آنان را «عبیدین» نامیدند. این جنگ تبلیغاتی بر نوشتارهای تاریخی تأثیر بسیاری نهاد و این نوشتارها - خواسته و ناخواسته - به سوی عباسیان سنی مذهب مایل گشتند. این مطلب بعد از سقوط دولت فاطمیان به دست ایوبیان آشکارتر شد.^۱

مقریزی بطلان نسبت فاطمیان به اهل بیت علیهم‌السلام و انتساب آنان به یهود و مجوس را رد کرده، می‌گوید:

اگر منصف باشیم، به آسانی درمی‌یابیم که این سخنان جعلی است؛ زیرا فرزندان علی علیه‌السلام در آن زمان به‌وفور یافت می‌شدند و از مقام و منزلت والایی نیز نزد شیعیان برخوردار بودند. پس به چه انگیزه‌ای شیعیانشان از آنان رویگردان شوند و ابن یهود و ابن مجوس را در زمره اهل بیت علیهم‌السلام شمارند. هیچ‌کس به چنین کاری تن ندهد، اگرچه در نهایت پستی و نادانی باشد ... این مطلب از ضعف خلفای عباسی ناشی می‌شود. آنان چشمان خود را بر منزلت والای فاطمیان بستند و شأن آنان را نادیده انگاشتند و سند جعلی در این باره وضع کردند و انتساب فاطمیان به علویان را نفی کردند (مقریزی، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۱).

مقریزی سپس گوید:

عباسیان در سال ۴۰۲ق در روزگار حکمرانی «قادر»، تنی چند از بزرگان از جمله شریف رضی، شریف مرتضی، ابوحامد اسفراینی و دیگران را گرد آوردند تا سندی علیه فاطمیان امضا کنند. عباسیان این خبر را در بغداد پخش کردند و به جهت اینکه اهل بغداد از پیروان عباسیان بودند، این خبر به‌راحتی در ذهن مردم جای گرفت. تاریخ‌نگاران نیز این خبر را همان‌طور که شنیده بودند روایت کردند، بدون اینکه در آن اندیشه کنند (همان).

صدور سندی که با امضای برخی از بزرگان شیعه و سنی همراه بود، تأثیر مستقیم بر تاریخ‌نگاری آن دوره گذاشت و بسیاری از تاریخ‌نویسان تحت تأثیر این نوشتار سعی کردند نسب فاطمیان را از اهل بیت علیهم‌السلام جدا سازند. آنان در تاریخ‌نگاری خود بر این نکته تأکید کردند که نام واقعی عبیدالله المهدی، بنیانگذار دولت فاطمی، سعید و از نسل عبیدالله بن میمون قدام بوده است (قطب، ۲۰۰۲: ۲۱).

جغرافیای سیاسی حاکم بر جهان اسلام در زمان شکل‌گیری فاطمیان

استقرار و استمرار خلافت فاطمیان یکی از مهم‌ترین دوران‌های تمدن اسلامی را رقم زد. دولت فاطمیان اولین خلافت مستقلی بود که در عرض خلافت عباسی شکل گرفت و از اطاعت خلافت عباسی سر باز زد. دوره دولت فاطمیان دوره ظهور و حضور ائمه اسماعیلی در رأس یک قدرت سیاسی بود. این دولت توانست در مسیر حرکت خود، مخالفان اعتقادی خویش یعنی قرامطه را مضمحل سازد و خود به تنهایی پرچم‌دار دیدگاه رسمی اسماعیلیان باشد. این دولت در طول دویست سال با عباسیان، آل بویه و سلجوقیان در تعارض و جنگ بود و در پایان نیز با صلیبیان مسیحی روبه‌رو شد.

شکوفایی تمدن اسلامی در عصر فاطمیان

حکومت فاطمیان در مصر، ارجمندترین و تأثیرگذارترین حکومت در این کشور بوده است. عصر فاطمیان از دوره‌های باشکوه تمدن اسلامی شناخته می‌شود. در دوران حکمرانی فاطمیان، این سرزمین در تمامی جهات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و علمی پیشرفت شایانی کرد و عمرانی و آبادانی در عصر فاطمیان شکوفا شد. تاریخ‌بیانگر نهضت گسترده‌ای در حیات فکری و ادبی و نیز درخشندگی علوم فلسفی، ریاضی، نجوم و طب در عصر فاطمی است.

از نظر اقتصادی و اجتماعی هرچند دولت فاطمی گاهی با بحران‌هایی روبه‌رو بود، توانست در این دوره، آرامشی نسبی بر جامعه حاکم کند (ناصری طاهری، ۱۳۹۰: ۱۱۰) و از طرفی پیشرفت صنعت بافندگی به اوج خود رسیده بود و کشور مصر به ساختن انواع مخصوصی از منسوجات شهرت یافته بود.

فاطمیان کشور مصر را مرکز مهم تجارت بین‌المللی قرار دادند؛ زیرا آنان امتیازات موقعیت جغرافیای مصر را به عنوان شاهراه ارتباطی میان قاره‌ها شناخته بودند و از این امر برای ارتباط شرق و غرب جهان بهره گرفتند. آنان برای اینکه نقل و انتقال تجارت میان شرق و غرب را آسان کنند، کانالی بین رود نیل و دریای سرخ ایجاد کردند. این کانال در زمان حکمرانی «مستنصر فاطمی» به «خلیج حاکمی» مشهور بود، یعنی خلیج منسوب به «الحاکم بامرالله» (عبدالمنعم ماجد، ۱۴۸).

ناصر خسرو قبادیانی در وصف مصر، بر وجود امنیت و عدالت در آن تأکید می‌کند. ناصر خسرو شهر قاهره را با ویژگی آبادانی توصیف می‌کند و می‌نویسد که مصریان زندگی بسیار خوب و راحتی داشتند. برخی از آنان از مال و ثروت فراوانی بهره می‌بردند که اگر شخصی بخواهد آن را بیان نماید و یا توصیفش کند، کسی گفتارش را نپذیرد. ثروتی که آنان دارا بودند، بی حد و حصر بود. مسلمانان و نصرانی‌ها از ثروت یکسانی بهره می‌بردند (همان: ۷۴). وی همچنین توصیف دقیقی از قصر باشکوه خلیفه به دست داده که شکوه معماری قصری را بازمی‌تاباند که به گفته وی، به وسعت شهری بوده و به دلیل بلندی بناها از مسافت طولانی و خارج از قاهره، همچون کوهی به نظر می‌آمد و حتی بر سر بام‌های عمارات آن نیز درخت کاشته و گردشگاه ساخته بودند. بخشی از توصیف ناصر خسرو از قصر سلطان فاطمی در قاهره چنین است:

و قصر سلطان میان شهر قاهره است و همه حوالی آن گشاده، که هیچ عمارت بدان نپیوسته است و مهندسان آن را مساحت کرده‌اند، برابر شهرستان میافارقین است. و گرد بر گرد آن گشوده است و هر شب هزار مرد پاسبان این قصر باشند: پانصد سوار و پانصد پیاده که از نماز شام بوق و دهل و کاسه می‌زنند و گرد می‌گردند تا روز. و چون از بیرون شهر بنگرند قصر سلطان چون کوهی نماید، از بسیاری عمارات و ارتفاع آن؛ اما از شهر هیچ نتوان دید، که باروی آن عالی است و گفتند که در این قصر دوازده هزار خادم اجری خواره است، و زنان و کنیزکان خود که داند، آلا آنکه گفتند سی هزار آدمی در آن قصر است و در آن دوازده کوشک است و این حرم را ده دروازه است بر روی زمین... و در

زیر زمین دری است که سلطان سواره از آنجا بیرون رود و از شهر بیرون قصری ساخته است که مخرج آن رهگذر در آن قصر است و آن رهگذر را همه سقف محکم زده‌اند، از حرم تا به کوشک. و دیوار کوشک از سنگ تراشیده ساخته‌اند که گویی از یک پاره سنگ تراشیده‌اند و منظرها و ایوان‌های عالی برآورده و از اندرون دهلیز دکان‌ها بسته.

در دوران این دولت هنر معماری در اوج رونق خود بود و جامع الأزهر و جامع الحاکم و جامع الاقمر از جمله مشهورترین نمونه‌های هنر معماری این عصر به شمار می‌روند.

در مجموع، همچنین می‌توان گفت مردم در این دوره از نظر معیشتی و فرهنگی و برای انجام امور مذهبی خویش مشکل جدی نداشته‌اند. دولت فاطمیان برای عمران و آبادانی و ارتقای مدیریت، دیوان‌ها، ارتش، ناوگان جنگی و سربازان تلاش بسیاری کرد. حکومت به کارمندان و به بینوایان و محتاجان در زمستان و تابستان لباس‌های مخصوص هدیه می‌داد. زنان از منزلتی خاص برخوردار بودند و سالخوردگان و بیوه‌زنان در مراکز خاصی نگهداری می‌شدند (ناصری طاهری، ۱۳۹۰: ۱۳).

در عصر فاطمی، در مناسبت‌های دینی مانند عید فطر، عید قربان، عید غدیر، آغاز ماه رمضان و سالروز تولد خلیفه جشن‌ها و اعیاد بسیاری برگزار می‌شد و در آن بذل و بخشش فراوان انجام می‌گرفت. مصریان از این جشن‌ها و مناسبت‌ها استقبال می‌کردند و آن را دوست می‌داشتند؛ زیرا این جشن‌ها برای آنان، علاوه بر اهمیت اقتصادی از اهمیت معنوی و رفاهی برخوردار بود. در این جشن‌ها هدیه‌هایی چون لباس، پول و غذا در میان مردم پخش می‌شد (مقریزی، ۱۳۷۷: ۲ / ۲۷۵).

علم و دانش در خلافت فاطمیان

عصر فاطمی در مصر از جهت علم و دانش بهترین و پربارترین دوران تاریخی مصر است. سرزمین مصر از هیچ‌یک از فرمانروایانی که از زمان صدر اسلام در این کشور حکم راندند، به اندازه فاطمیان بهره نبرده است. در این دوران، این سرزمین در تمامی جهات اقتصادی،

اجتماعی، سیاسی و علمی پیشرفت شایانی کرد. ساختن شهر قاهره و دانشگاه «الازهر» بهترین دلیل بر این مدعا است. تاریخ بیانگر نهضت گسترده‌ای در حیات فکری و ادبی و نیز درخشندگی علوم فلسفی، ریاضی، فلک، نجوم و طب در عصر فاطمی است. در عصر فاطمی پیشرفت شایانی را در حیات فکری، خصوصاً در علوم فلسفی، به شکل‌های مختلف آن می‌یابیم. در این دوران، این علوم خوش درخشیدند و فاطمیان نیز از آنها بی‌وقفه حمایت کردند. خلفای فاطمی خود، دانشمندان برجسته‌ای در برخی از این علوم، مخصوصاً الهیات و فلک بودند. فاطمیان به رصد کردن ستارگان همت می‌گماشتند و به دانشمندان علوم ریاضی توجه خاصی می‌کردند. آنان به شعر نیز توجه داشتند و از آن همچون ابزاری برای دعوت سیاسی خویش بهره می‌گرفتند.

حکومتی از حکومت‌های اسلامی را نمی‌یابیم که به اندازه فاطمیان برای شاعران ارزش و اهمیت قائل باشند یا همچون آنان به شعر و شاعری توجه نشان دهند؛ بنابراین شعر مصری در زمان فاطمیان به درخششی دست یافت که مانند آن را پیش از این به خود ندیده بود (محمد کامل، ۱۶۹). فاطمیان نقش بسیار سازنده‌ای در تاریخ اسلامی به‌ویژه مصر داشتند، به‌گونه‌ای که علوم و هنر در عصر آنان پیشرفت کرد و دانشجویان زیادی از جای‌جای جهان اسلام برای کسب علم و معرفت به قاهره می‌آمدند و در آن زمان دارالحکمه و الازهر ساخته شد و کتاب‌های زیادی منتشر شد. شاعران و ادیبان از دولت حقوق می‌گرفتند. در آن زمان مساجد مراکز فرهنگی به شمار می‌رفتند و «العزیز بالله» مسجد جامع الازهر را به دانشگاهی بزرگ تبدیل کرده بود. دکتر حسن ابراهیم حسن می‌گوید:

زمان خلافت العزیز بالله فاطمی، دوران آسایش، رفاه، فراوانی و آزادی عقیدتی و فرهنگی بود و در دوران خلافت «حاکم» دارالحکمه تشکیل شد. در دارالحکمه پژوهشگران، فقیهان، ستاره‌شناسان، نحویان و لغت‌شناسان بسیاری به علم و دانش مشغول بودند. به این دارالحکمه، کتابخانه‌ای به نام «دارالعلم» اضافه شد. این کتابخانه کتاب‌های مرجع و معتبر فراوانی را که در مصر و دیگر سرزمین‌های اسلامی نگاشته می‌شد، در خود جای می‌داد (حسن ابراهیم، ۱۹۶۴: ۳۴۷).

در عصر فاطمیان کتابخانه‌ها رونق خوبی داشتند و کتابخانه قصر خلافت در قاهره به نام خزانه الکتب از مهم‌ترین آنها بود. گفته شده در این کتابخانه نسخه‌های فراوانی از کتاب *تاریخ طبری* موجود بود (الامین، ۲۰۰۲: ۱۶ / ۳۳۴). دیگر کتابخانه بزرگ مصر کتابخانه متعلق به دارالحکمه بود که کتابخانه دارالعلم نام داشت (ایوب، ۱۹۹۷: ۱۷۰-۱۷۲). در دوران فاطمیان همچنین رصدخانه‌هایی ساخته شد؛ از جمله رصدخانه الحاکمی که در زمان حاکم بامر الله تأسیس شد.

دولت فاطمیان در دوران حکومت هشتمین خلیفه فاطمی، المستنصر بالله، به اوج قدرت خود رسید. در طول این دوره، فاطمیان یک حکومت مرفه همراه با شادابی عقلانی، اقتصادی و فرهنگی قابل ملاحظه را پدید آوردند و بر اثر تلاش آنان، قاهره یکی از مراکز فرهنگ و هنر اسلامی شد و به صورت کانون تحقیق و علم درآمد (واکر، ۱۳۸۳: ۷۷).

سیاست علمی و فرهنگی فاطمیان در مصر

فاطمیان از ابتدای حکومت در مصر، همزمان با تثبیت قدرت، به فعالیت‌های علمی و فرهنگی پرداختند. پیشینه علمی و فرهنگی سرزمین مصر نیز مشوق خوبی برای فعالیت‌های فرهنگی فاطمیان بود. بر این اساس، فاطمیان بیشترین تلاش خویش را در پی‌ریزی یک شاکله مستحکم علمی با تمام جوانب از نظر ساختاری، محتوایی و نخبه‌پروری به کار گرفتند. آنان برای تحقق اهداف خود، مراکز آموزشی و پژوهشی فراوانی مانند مساجد، کتابخانه‌ها و مدارس را تأسیس کردند و امکانات مادی و معنوی بسیاری را در این مسیر صرف کردند و حتی برای استفاده از توان علمی موجود در دیگر مناطق اسلامی، عالمان و دانشمندان دیگر سرزمین‌ها را به دربار خود دعوت کردند. نتیجه این تلاش‌های بی‌وقفه، شکل‌گیری کانون‌های علمی و حلقه‌های متعدد پررونق درس و بحث در حوزه‌های گوناگون علمی بود.

فاطمیان و دوران شکوفایی تفکر شیعی در مصر

دوره دولت فاطمیان مهم‌ترین بخش از تاریخ تشیع در شمال آفریقا است. این دولت از عوامل گسترش فرهنگ شیعه و علاقه به اهل بیت علیهم‌السلام در بین مردم مصر بوده است

(جعفریان، ۱۳۸۹: ۵۳۵-۵۳۶). خلفای فاطمی به تحکیم نمادهای مذهبی شیعی می‌پرداختند؛ برای نمونه حاکمان فاطمی دستور دادند عبارت «حی علی خیر العمل» در اذان مساجد مصر گفته شود و در نماز، ذکر بسم الله برخلاف آموزه‌های اهل سنت، به جهر گفته شود (مقریزی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۱۲ و ۱۱۵). همچنین جوهر صقلی دستور داده بود بعد از خطبه‌های نماز جمعه، علاوه بر پیامبر بر ائمه طاهر علیهم‌السلام نیز صلوات فرستاده شود (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴/ ۲۳۵).

فاطمیان در این دوره تشیع را گسترش و دانشمندان بسیاری پرورش دادند. یکی از ماندگارترین آثار تمدن فاطمیان شهر قاهره و دانشگاه الأزهر است. دانشگاه الأزهر در سال ۳۵۹ هجری قمری به همت چهارمین خلیفه فاطمی «المعز لدین الله» در قاهره تأسیس شد (جعفریان، ۱۳۸۹: ۵۴۲). المعز لدین لله توجه ویژه‌ای به نشر تشیع و نیز آموزه‌های فقه شیعه و معرفی جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در مصر داشت.

فاطمیان الأزهر را برای ترویج مذهب شیعه تأسیس کردند. رهبران این سلسله معتقد بودند زمان تبلیغ شیعه از طریق معرفی علمی فرا رسیده است و باید از طریق آموزش، تعالیم این مذهب را ترویج کرد. آنان در تبلیغ و هنر دعوت برای جذب افراد، استادان چیره‌دستی بودند. از تمام امکانات زمان خویش و از تمام افراد در دسترس برای رسیدن به این هدف بهره می‌گرفتند. فاطمیان به تأسیس دانشگاه الأزهر بسنده نکردند و در سال ۱۰۰۵ میلادی، مرکز فرهنگی دارالحکمه را دایر کردند که این مرکز نیز وظیفه تبلیغ تشیع را بر عهده داشت (حسن ابراهیم، ۱۹۶۴: ۱/ ۲۵۴).

هنگامی که المعز لدین الله در سال ۳۶۲ق وارد مصر شد (ابن اثیر شیبانی، ۱۴۱۴: ۳۶۲) و در کاخ «القاهره المعزیه» اقامت گزید، در ماه رمضان سال ۳۶۲ق دستور داد بر در و دیوار شهرهای مصر بنویسد: «خیر الناس بعد الرسول صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام» (مقریزی، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۷۰). وی همچنین دستور داد روزه باید بنا بر مذهب تشیع صورت گیرد و خواندن نماز تراویح از شهرهای مصر رخت بریندد. نیز در بهار سال ۳۸۵ق «قاضی محمد بن نعمان» جلساتی در قصر والی قاهره ترتیب داد و در آن از علوم اهل البیت علیهم‌السلام سخن می‌گفت و مردم انبوهی از شهرهای دیگر مصر برای شرکت در این گونه مجالس راهی قاهره می‌شدند؛ چنانکه به سبب افزایش جمعیت، روز یکشنبه را به مردان و چهارشنبه را به زنان اختصاص داده بودند (همان).

در قاهره فقه شیعی و فقه دیگر مذاهب و همچنین علوم زبان، طب و ریاضیات تدریس می‌شد و فاطمیان برای دانشجویانی که از کشورهای اسلامی می‌آمدند، مسکن و لباس تهیه می‌کردند. آنان در دانشگاه الأزهر کتابخانه بزرگی تأسیس کردند که نسخه‌های خطی بسیاری در علوم مختلف را در آن گرد آورده بودند. فاطمیان قصرهای خود را به مراکز انتشار فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام تبدیل کردند و کتابخانه‌هایی شامل هزاران کتاب در آنها ساختند، مانند کتابخانه قصر شرقی که به دست خلیفه المعز لدین الله تأسیس شد. بسیاری از عادت‌ها و رسوم کنونی مردم مصر تحت تأثیر دولت فاطمی است و آثار این دولت همچنان در مصر دیده می‌شود.

اقدامات فاطمیان در ترویج فرهنگ شیعی

فاطمیان و حکومت آنان در مصر از سلسله‌های تأثیرگذار در این منطقه بودند. با حضور فاطمیان در مصر، مردم این دیار به مذهب آنان گرویدند و مذهب تشیع در این کشور به صورت رسمی طرفداران و پیروان فراوانی پیدا کرد و تشیع به خوبی در مصر متجلی شد. آثاری که این حکومت شیعی مذهب در این منطقه بر جای گذاشت، پیوسته گسترش و رواج یافت و هنوز هم برخی نمادهای آن باقی است. اکنون برخی اقدامات فاطیمان به صورت گذرا بیان می‌شود:

۱. تعطیلی روز عاشورا

فاطمیان مراسم سوگواری در روز عاشورا به مناسبت شهادت امام حسین علیه‌السلام را باشکوه هرچه بیشتر برگزار می‌کردند. مصریان در دوره خلیفه العزیز، پنجمین خلیفه فاطمی، نخستین بار سوگواری برای امام حسین علیه‌السلام را در روز عاشورا تجربه کردند. در روز عاشورا به دستور خلفای فاطمی بازارها تعطیل و دسته‌های سوگواری باشکوهی، مشهور به دسته‌های حزن و اندوه تشکیل می‌شد (همان: ۱/ ۴۲۷). گاهی خلیفه نیز در این مراسم — با پای برهنه در حالی که شعار حزن و اندوه بر لب داشت — حضور می‌یافت و مصیبت امام حسین علیه‌السلام خوانده می‌شد. هرچند برگزاری مراسم در روز عاشورا از شعائری به شمار می‌رود که آن را فاطمیان در مصر رواج دادند — چراکه در دوران

دولت فاطمیان و نقش آنان در شکوفایی تشیع در مصر / ۹۳

کافور اخشیدی نیز شیعیان چنین می‌کردند — عرصه و دامنه برگزاری این مراسم در دوران حکومت فاطمیان گسترش فراوان یافت (همان، ۲/ ۲۸۹-۲۹۲). مسیحی گوید:

در روز عاشورا از آغاز سال ۳۹۶ق همه‌ساله بازارها تعطیل می‌شد و مردم سوگوار به طرف دانشگاه قاهره (الازهر) حرکت می‌کردند و در آنجا گرد هم می‌آمدند و با نوحه و شیون و زاری سوگواری می‌کردند. بعد از سقوط فاطمیان و روی کار آمدن ایوبیان، روز عاشورا برعکس زمان فاطمیان و به دلیل دشمنی با آنان، به روز خوشحالی تبدیل شد. در این روز، ایوبیان انواع و اقسام غذاها و شیرینی‌ها را پخته و سرمه می‌کشیدند و طبق روال شامیان که حجاج در روزگار حکمرانی عبدالملک مروان آن را پایه‌ریزی کرده بود، به حمام می‌رفتند. آنان با این کار خویش، می‌خواستند دشمنی خود را با شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام هرچه بیشتر آشکار کنند (همان، ۲/ ۲۸۹-۲۹۰).

۲. جشن و آذین‌بندی روز عید غدیر

در این روز زنان شوهرمرده شوهر داده می‌شدند و جامه زیبا به مردم پوشانده و هدایایی نیز به آنان داده می‌شد. در این روز غلامان، آزاد و چهارپایان ذبح می‌شدند. دیگر کارهایی که در بزرگداشت چنین روزی معمول بود، برگزاری مراسم تهنیت و افزودن صله‌ها و جایزه‌ها و بخشش‌ها و انفاق اموال بی‌شمار به دست خلیفه، وزرا و بزرگان به مردم بود (همان، ۲/ ۲۲۲ و ۲۸۹؛ جودکی، ۱۳۷۸: ۶۶-۶۸).

۳. گرامی‌داشت ولادت آل عبا

فاطمیان تولد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام را به عنوان اعیاد و موسم‌های بزرگ جشن می‌گرفتند و اموال بی‌شماری را در آن روزها انفاق می‌کردند و به اظهار سرور و شادی می‌پرداختند.

۴. تشکیل مجالس برای یادگیری علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام

فاطمیان فقهای را منصوب کردند که فقه اهل بیت علیهم السلام را به مردم تعلیم دهند و شهریه و حقوق اختصاصی سالیانه برای آنان مقرر ساختند و به متعلمان و کسانی که برای

شنیدن حدیث حاضر می‌شدند، مبالغی پرداخت می‌کردند (مقریزی، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۷۰-۲۷۱). فاطمیان با این‌گونه اقدامات از تشیع تجلیل کردند و زمینه حرکت رو به جلوی این مکتب را در مصر فراهم آوردند. این اقدامات باعث شد مذهب اهل‌البیت علیهم‌السلام به عنوان مذهب مانوس و شناخته‌شده‌ای در میان مردم مصر راه خود را طی کند.

سیاست‌های مذهبی فاطمیان

سیاست‌های مذهبی فاطمیان در مغرب و مصر متفاوت بود. سیاست مذهبی فاطمیان در مغرب، بر شیوه تحمیل عقاید و شعائر دینی اسماعیلیان استوار بود و همین امر موجب تداوم نیافتن حضور سیاسی و معنوی و دینی آنان در مغرب شد؛ اما سیاست مذهبی آنان در مصر بر شیوه تسامح و آزادی مذاهب دیگر در بیشتر دوران حضورشان می‌چرخید. این شیوه با اینکه زمینه نفوذ مذهبی و اعتقادی را فراهم نمی‌آورد، موجب تداوم حضور سیاسی آنان به مدت ۲۰۹ سال (۳۵۸-۵۶۷ق) شد (نک: چلونگر، ۱۳۹۰). در این دوران از مناسبت‌های شیعی برای تبلیغ مذهب تشیع اسماعیلی به‌وضوح استفاده می‌شد. آنان پیوسته جشن‌ها و عیده‌ها را با شکوه برگزار می‌کردند. مردم در این جشن‌ها با خشنودی شرکت می‌جستند و حاکم را بزرگ می‌داشتند. در زمان خلافت ابومنصور نزار، عزیز بالله، مراسم عزاداری روز عاشورا برای نخستین بار در مصر برپا شد. در سال ۳۶۶ق عزاداری روز عاشورا نیز در مصر و شام مرسوم شد و تا پایان خلافت فاطمیان ادامه یافت (مقریزی، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۳۰).

تألیف کتب فقهی و تقویت جنبه فقهی مذهب اسماعیلی و تشکیل جلسات آموزشی با عنوان مجالس الحکمه برای نوکیشان اسماعیلی و تحکیم پایه‌های مذهبی از جمله اقدامات آنان بود. در روزگار خلافت فاطمیان بود که افرادی نظیر قاضی نعمان از متفکران اسماعیلی، با حمایت معز، نظام فقهی اسماعیلی را تدوین کردند؛ همچنین خلفای فاطمی تلاش می‌کردند خود را از اتهام به بی‌توجهی به ظواهر شریعت مبرا سازند (واکر، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۲). در راستای دستیابی به همین هدف بود که فاطمیان به گسترش مراکز تعالیم مذهبی پرداختند و جامع الأزهر را تأسیس کردند و فقهای بزرگ اسماعیلی در آن به تدریس پرداختند (چلونگر، ۲۶).

احترام به دیگر مذاهب اسلامی

فاطمیان با وجود ترویج مذهب شیعه به دیگر مذاهب نیز به دیده احترام می‌نگریستند. جامع الأزهر فقط مرکز دعوت فاطمیان نبود، بلکه علمای شافعی و حنفی و غیره هم در آن اجتماع می‌کردند. فاطمیان در علم و حکمت تعصب به خرج نمی‌دادند و در مقابل علمای شیعه و سنی با گشاده‌رویی رفتار می‌کردند. توده‌های اهل سنت در مصر به هیچ وجه از طرف فاطمیان زیر فشار قرار نگرفتند تا مجبور به ترک مذهبشان شوند، برعکس آنچه دشمنان شیعه پیش از این انجام می‌دادند، بلکه این خود توده‌های مردم بودند که از روی رغبت به مذهب تشیع می‌گرویدند، تا جایی که پیروان مذهب اهل سنت در اقلیت قرار گرفتند. درست است که مراکز علمی فاطمیان در اصل به تعلیم آیین اسماعیلی می‌پرداختند، با این همه می‌توان گفت آنان در جهان اسلام به توجه به تسامح مذهبی شهرت بسیاری یافتند و دانشمندان اهل سنت نیز در حکومت آنان آزادی عمل داشتند (ناصری طاهری، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۲۷)؛ برای مثال الحاکم بامرالله فاطمی در زمان خود دو تن عالم مالکی را برای تعلیم فقه دعوت کرد (ابن تغری، بی‌تا: ۶/ ۱۲۷).

در دوران خلافت فاطمیان، اهل سنت فی الجمله در فعالیت دینی و اجتماعی آزادی داشتند، به گونه‌ای که حتی هر یک از مذاهب، قاضی خود را داشتند و قاضی القضاات بسیاری از مناطق از اهل سنت بود (واکر، ۱۳۸۳: ۵۶). آنان در اجرای احکام بر اساس مذهب خود عمل می‌کردند. مجالس درس اهل سنت نیز فعال بودند (رمضان، ۱۹۹۳: ۳۳۳). جالب توجه اینکه برخی از اهل سنت به مقام‌های بالای حکومتی رسیدند. در کتاب *تاریخ خلفای فاطمی* به صورت مفصل از مراکز علم و دانش فاطمیان یاد شده و آمده است: «جامع الأزهر نه فقط مرکز دعوت فاطمیان بود، بلکه علمای شافعی و حنفی و غیره هم در آن اجتماع می‌کردند... فاطمیان در علم و حکمت تعصب به خرج نمی‌دادند و با علمای شیعه و سنی با گشاده‌رویی رفتار می‌کردند» (تاریخ خلفای فاطمی، بی‌تا: ۲۸).

نتیجه‌گیری

حاصل سخن این است که ظهور دولت شیعی اسماعیلی فاطمیان در قرن چهارم و استمرار آن تا اواخر قرن ششم را باید از مهم‌ترین و کارآمدترین اسباب گسترش و

ترویج تفکر شیعی به معنای عام آن دانست. تأکید و توجه این دولت به ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت به معنای عام آن و نیز توجه و تأکید بر شعائر و رواج آنها و آموزه‌های فقهی و کلامی شیعی و نیز تأسیس نهادهای آموزشی مرتبط با این آموزه‌ها و توجه شایسته به آموزش تعالیم شیعی و دیگر اقدامات فرهنگی از جمله مواردی است که دولت فاطمی بر آن اهتمام خاص داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. به کتاب *تاریخ الخلفاء* سیوطی مراجعه شود. وی به جز تاریخ فاطمیان که عمداً آن را حذف کرده، تاریخ تمامی خلفای مسلمان را نگاشته است. همچنین به این موارد مراجعه شود: *النجوم الزاهرة* ابن تغری بردی، *الکامل* ابن اثیر، *البدایه و النهایه* ابن کثیر، *بدائع الزهور و فی وقائع الدهور* ابن ایاس و *الروضتین فی اخبار الدولتین شهاب‌الدین مقدسی*.

منابع

- ابن اثیر شیبانی، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۴م)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق مکتب التراث، ج ۴، بیروت: المؤسسة التاریخ العربی.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابی‌المحسن یوسف الاتابکی (بی‌تا)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و قاهره*، قاهره: وزاره الثقافه و الارشاد القومی، المؤسسة المصریه العامه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م)، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۵۹ش)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: [بی‌نا].
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۸۳ش)، *العبر: تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن عبدالبر، عبدالله بن عبدالظاهر (بی‌تا)، *الروضه البهیة الزاهره فی خطط المغرب القاهره*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- ابن عماد حنبلی، شهاب‌الدین (۱۹۹۸م)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۷۹ش)، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- ابوشامه مقدسی، شهاب‌الدین (۱۴۱۸ق)، *الروضتین فی أخبار الدولتین*، ج ۱، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- الامین، حسن (۲۰۰۲م)، *دایرة المعارف الاسلامیه الشیعیه*، ج ۱۶، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- امینی، محمدهادی (۱۹۶۲م)، *عید العذیر فی عهد الفاطمیین*، نجف: چاپ نجف.
- ایوب، ابراهیم (۱۹۹۷م)، *التاریخ الفاطمی الاجتماعی*، لبنان: الشركه العالمیه للکتب.
- پاک‌آیین، محسن (۱۴/ ۱۱/ ۱۳۸۲ش)، «اهل بیت: حلقه اتصال مردم ایران و مصر»، *روزنامه ایران*، ش ۲۷۱۶.
- پاک‌آیین، محسن (۲۳/ ۷/ ۱۳۷۳ش)، «جایگاه تشیع در مصر معاصر»، *کیهان*، ۱۳۷۳.
- تاریخ خلفای فاطمی (بی‌تا)*، مندرج در *نهضت فرمطیان*.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹ش)، *اطلس شیعیه*، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹ش)، *سفرنامه حج جزائری عراقی*، پنجاه سفرنامه حج فاجاری، تهران: نشر علم.
- جندی، عبدالحلیم (بی‌تا)، *الامام جعفر الصادق*، قاهره: [بی‌نا].

- جودکی، حجت‌الله (۱۳۷۸ش)، *تاریخ فاطمیان*، ج ۱، تهران: سپهر.
- چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۰ش)، «مقایسه و تحلیل سیاست‌های مذهبی فاطمیان در مغرب و مصر تا پایان الظاهر»، *مجله پژوهش‌های تاریخی*، دانشگاه اصفهان، ش ۹.
- حسن ابراهیم، حسن (۱۹۶۴م)، *تاریخ الدولة الفاطمیه فی المغرب و مصر و سوریه و بلاد العرب*، قاهره.
- رمضان، عبدالعظیم (زیر نظر) (۱۹۹۳م)، *تاریخ مصر الاسلامیه*، نویسندگان: سید اسماعیل کاشف، جمال‌الدین سرور، سعید عبدالفتاح عاشور، مصر: هیئته المصریه العامه للکتاب.
- سلطان، عبدالنعیم (۱۴۰۵ق)، *المجمعه المصری فی العصر الفاطمی*، قاهره: دارالمعارف.
- صنهاجی، ابی‌عبدالله محمد (۱۳۷۸ش)، *تاریخ فاطمیان* (ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی‌عبید و سیرتهم)، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: امیرکبیر.
- العبادی، احمد مختار (بی‌تا). *فی التاریخ العباسی و الفاطمی*، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- قاضی نعمان (بی‌تا)، افتتاح الدعوه، تحقیق: فرحات الدشراوی، تونس: الشركه التونسیه.
- قطب، محمدعلی (۲۰۰۲م)، *الفاطمیون بین صحت النسب و تزویر تاریخ*، بیروت: المکتبه العصریه.
- کرمر، جونل. ل. (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه*، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران: نشر دانشگاهی.
- لاپیدوس، ایرام (۱۳۸۷ش)، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه علی بختیاری‌زاده، ج ۲، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.
- ماجد، عبدالمنعم (۲۰۱۱م)، *تاریخ الخلافه الفاطمیه*، عمان: دارالفکر ناشرون و موزعون.
- متر، آدم (۱۳۶۲ش)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدکامل، حسین (بی‌تا)، *الحوایط الفکریه و الادبیه بمصر من الفتح العربی حتی آخر الدوله الفاطمیه*، قاهره: [بی‌نا].
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۰ش)، *مُروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مقریزی، ابوالعباس تقی‌الدین احمد بن علی (۱۹۹۸م / ۱۳۷۷ش)، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقریزیه*، تحقیق: محمد زینهم، مدیحه الشراوی، قاهره: مکتبه مدبولی.
- مقریزی، ابوالعباس تقی‌الدین احمد بن علی (۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م / ۱۳۸۰)، *اتعاظ الحنفی باخبار الائمہ الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق محمد عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۹۰ش)، *فاطمیان در مصر*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

دولت فاطمیان و نقش آنان در شکوفایی تشیع در مصر / ۹۹

نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۷۵)، *فرق الشیعه*، ترجمه محمدجواد مشکور، ج ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

واکر، پل ای (۱۳۸۳ش)، *پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.

